

## آیین سیکه؛ نگاهی از فراز

محمد مهدی علیمردی\*

و سید محمد روحانی\*\*

### اشاره

اولین گام در شناخت هر دین، کسب تصویری جامع از جغرافیای عقاید و مناسک آن دین است؛ زیرا تبیین درست مفاهیم مطرح در آن دین ما را به آنچه مورد تأکید آن دین است راهنمایی می‌کند. بدیهی است هر محقق دینی در درجه اول به جست‌وجوی این است که بدانند دین مورد مطالعه چه نگاهی به جهان یا خلقت و آفریننده دارد، مؤسس آن خود را چگونه توصیف می‌نماید، راه دست یافتن به نجات و رستگاری را چه می‌داند، اخلاقیات در آن چه جایگاهی دارند، مهم‌ترین نمادهای آن دین کدام است، پیروان آن به چه مناسکی ملتزم‌اند، مهم‌ترین متون مقدس آن کدام‌اند، آن دین امروزه در کدام مناطق دنیا و چه تعداد پیرو دارد و مسائلی از این قبیل. برای داشتن این تصویر باید نگاهی از فراز به آن دین انداخت. مقاله حاضر به دنبال آن است که با چنین نگاهی، تصویری کلی اما دقیق از یکی از جوان‌ترین ادیان جهان ارائه دهد. مطالب ارائه شده در این مقاله می‌تواند برای بسیاری از افراد اولین گام برای شناخت آیین سیکه و مقدمه‌ای برای تحقیقات بیشتر درباره این آیین باشد.

کلیدواژه‌ها: سیکه، گورو، تناسخ، مایا

---

\* استادیار دانشگاه ادیان و مذاهب.

\*\* پژوهشگر مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب وابسته به دانشگاه ادیان و مذاهب.

## نام و نشان

آیین سیکه یکی از جوان‌ترین ادیان جهان است و از پیدایش آن بیش از پانصد سال نمی‌گذرد. این آیین را می‌توان یکی از مهم‌ترین ادیان نوظهور قلمداد کرد؛ چراکه توانسته است حضور چشم‌گیری در مجامع بین‌المللی داشته باشد. به‌ویژه آنکه پیروان این دین در چند دهه اخیر با تأسیس مؤسسات مختلف، سایت‌های اینترنتی و انتشار کتاب‌ها و مجلات مختلف به نشر اعتقادات خود پرداخته‌اند. این آیین بر مبنای تعالیم گورو نانک (Guru Nānak) و نه تن از جانشینانش، در منطقه پنجاب، در شبه‌قاره هند به‌وجود آمده است. این ده تن در ظرف حدود دویست سال، یکی پس از دیگری، به تدریج آیینی که امروزه آن را به نام سیکه می‌شناسیم، به‌وجود آورده‌اند. از حدود سیصد سال پیش تا به امروز نیز کتاب مقدس آنها، گورو گرتنه صاحب (Guru Granth Sahib)، گورو و رهبر این آیین است. اصول این آیین بر سه اصل مهم اعتقاد به یگانگی خداوند، اطاعت محض از معلم روحانی (گورو / Guru)، و باور به تناسخ ارواح در زندگی پس از مرگ بنا شده است. نفی نظام طبقاتی، برابری زن و مرد، خدمت به خلق، کار و کوشش، نفی هرگونه ریاضت جسمانی، و داشتن زندگی اجتماعی از دیگر آموزه‌های مهم این آیین محسوب می‌شوند. این آموزه‌ها به عقاید اسلامی و هندویی بسیار نزدیک‌اند؛ به همین دلیل برخی از محققان غیرسیکه معتقدند این آیین در حقیقت ترکیبی از تعالیم اسلامی و هندویی است که بنیان‌گذارانش آن را برای ایجاد آشتی میان این دو دین بزرگ آن منطقه به‌وجود آورده‌اند. ولی پیروان آیین سیکه با این دیدگاه به‌شدت مخالف هستند و دین خود را دینی الهی و کاملاً مستقل می‌دانند.

واژه سیکه<sup>۱</sup> در لغت به معنای دانش‌آموز، شاگرد و مُرید است. این واژه احتمالاً از مصدر سیکهنا (Sikhna) به معنای آموختن، از زبان هندی و پنجابی اخذ شده است (Chander Dogra & Singh Mansukhani, 1997, 436).<sup>۲</sup> این واژه در کتاب مقدس این آیین، گورو گرتنه صاحب، نیز به صورت سیکه و سیکهیا به معنای تعالیم گورو و به صورت گورسیکه و سَنگور سیکه به معنای پیرو گورو آمده است (G. G. S. Majh, Mahla 3: 117 and G. G. S. Gaori Goareri, Mahla 1: 221 and G. G. S. Gaori Sukhmani, Mahla 5: 14).<sup>۳</sup> سیکه در آغاز اصطلاحی بود به معنای پیرو و مُرید نانک؛ اما بعدها به دینی اطلاق شد که بر اساس تعالیم نانک و جانشینان او شکل گرفت (Hinnells & Owencole, 1996: 310).

مطابق قانون سلوک این آیین (رَهتِ مَرِیادا / Rahit Maryādā)<sup>۴</sup> سیکه کسی است که به یک خدای ابدی و متشخص (اکال پورکه / Akāl Purakh)، ده گورو — از گورو نانک تا گورو گوبند سینگه<sup>۵</sup> (Guru Gobind Singh)، گورو بودن کتاب مقدس گورو گرتبه صاحب، و مراسم تعمید با شمشیر دودم (کهندا کا امریت / Khandākā Amrit) باور داشته باشد، و همچنین هیچ دین و آیین دیگری را نپذیرد (Shromni Gurdwārā, 1998: 9). به هر حال، امروزه اصطلاح سیکه به سه گروه اطلاق می‌شود:

۱. سَهجِ دِهاری (Sahajdhāri)؛ کسانی که در خانواده سیکه متولد شده باشند و از این طریق خود را پیرو این آیین بدانند، ولی به‌طور رسمی تعمید نیافته و به پنج کاف، به‌ویژه کوتاه نکردن موی بدن، ملتزم نباشند.
۲. کَسِ دِهاری (Kesdhāri)؛ سیکه‌هایی که ملتزم به کوتاه‌کردن موی بدن هستند، ولی به‌طور رسمی تعمید نیافته‌اند.
۳. امریت دِهاری (Amritdhāri)؛ سیکه‌هایی که به‌طور رسمی با مراسم کهندا کا امریت تعمید یافته باشند (Chander Dogra & Singh Mansukhani, 1997: 436).

### گستره

آیین سیکه در منطقه پنجاب<sup>۶</sup> (Panjāb) واقع در شمال غربی شبه‌قاره هند پدید آمد. امروزه نیز بیشتر جمعیت پیروان این آیین در همین منطقه ساکن هستند. واژه پنجاب ترکیبی از دو کلمه فارسی پنج و آب است؛ پنجاب یعنی سرزمین پنج رودخانه. این پنج رود از رودخانه اصلی ایندوس (Indus) سرچشمه می‌گیرند. البته امروز تنها سه رودخانه راوی (Ravi)، بیاس (Beas)، و سوتلج (Sutlej) در پنجاب هند جاری هستند (Gupta, 2000: 1/ 1, and Chander Dogra & Singh Mansukhani, 1997: 358). منطقه پنجاب امروزه به دو بخش تقسیم شده است که یک بخش در کشور هندوستان و دیگری در پاکستان قرار دارد. طبق آخرین آمار، جمعیت تقریبی سیکه‌ها در جهان حدود بیست میلیون نفر است. از این میان حدود شش میلیون نفر از آنان در دیگر ایالت‌های هند (غیر از پنجاب) ساکن هستند و کمتر از دو میلیون نیز در کشورهای دیگر مانند انگلستان، ایالات متحده، کانادا، آفریقای جنوبی، سنگاپور، مالزی، تایلند، استرالیا، نیوزلند و آلمان سکونت دارند (Singh, 2009: 13). علاوه بر این کشورها، سیکه‌ها به صورت محدودتر در

پاکستان، افغانستان، کشورهای حوزه خلیج فارس و ایران<sup>۷</sup> نیز حضور دارند. نخستین مهاجرت قابل توجه سیکه‌ها به خارج از منطقه پنجاب در دوران حکومت انگلیس به وقوع پیوست. بعد از سال (۱۸۴۹م / ۱۲۷۰ق) زمانی که حکومت سیکه‌ها با لشکرکشی ارتش انگلیس به پنجاب نابود شد، سیکه‌ها وارد ارتش انگلیس شدند. این سربازان به تدریج به مناطق مختلفی از مستعمره‌های انگلیس و دیگر مناطق جنوب شرقی آسیا و اقیانوسیه اعزام شدند. این سربازان سیکه پس از اتمام خدمت در ارتش معمولاً به عنوان پلیس، نگهبان و محافظ در همان مناطق می‌ماندند و پس از مدتی خانواده خود را نیز به آنجا می‌بردند. به این صورت دیری نگذشت که سیکه‌ها به بیشتر نقاط جهان مهاجرت کردند (Owen, 2004: 281).

### نمادها و نمودها

امروزه جامعه سیکه را با هشت نشان و نماد بسیار برجسته می‌توان شناخت. در این میان پنج نماد همان پنج چیزی است که همراه داشتنش بر هر سیکه خالصاً الزامی است. نام این پنج نماد در زبان پنجابی با کاف شروع می‌شود؛ از این رو، به پنج کاف (پانچ ککه / Pānj Kakke) مشهور هستند. این پنج نماد عبارت‌اند از: موی کوتاه نشده (کش / Kesh)<sup>۸</sup>، شانه چوبی (کنگا / Kangā)، خنجر فولادی (کریپان / Kripān)، مچ‌بند فلزی (کرا / Karā) که در مچ دست راست بسته می‌شود و شلوارکی که باید تا بالای زانو باشد (کچّه / Kachha)<sup>۹</sup>. سه سمبل دیگر عبارت‌اند از:

۱. واژه مقدس *ایک اونکار (Ik - Oankār)*؛ این کلمه مقدس معمولاً بر سردر ساختمان‌ها، در آغاز نامه‌ها، در پوسترها و یا حتی بر روی اتومبیل‌های سیکه‌ها مکرر دیده می‌شود. این نماد، ترکیبی از عدد یک و حرف *اُ* در گورموکھی است و بر یگانگی خداوند دلالت دارد.

۱. نشان *کهندا (Khandā)*؛ امروزه این نشان از حلقه‌ای فولادی به همراه دو شمشیر تشکیل شده که در میان آن شمشیر دولب به صورت عمودی قرار دارد. البته این نشان در جامعه سیکه سابقه‌ای بسیار طولانی ندارد.

۲. نشان صاحب (*Nishān Sāhib*)؛ این نشان عبارت است از پرچمی مثلثی شکل به رنگ زعفرانی و گاهی آبی تیره. این پرچم در تمام معابد سیکه (گوردوارا *Gurdwārā*)<sup>۱۰</sup>

برافراشته می‌شود و نشان حضور سیکه‌ها در آن منطقه است. معمولاً چوبه پرچم نیز با پارچه‌ای از جنس و رنگ پرچم پوشانده می‌شود و بر فراز نشان صاحب یک کهن‌دای فلزی نیز نصب می‌گردد (McLeod, 2005: 24).

غیر از این هشت نماد، یکی از بارزترین و مشهورترین مشخصه‌های ظاهری پیروان آیین سیکه بستن عمامه‌های رنگارنگی است که به زبان محلی به آن پَکری (Pakri) یا دستار (Dastār) می‌گویند. دستار معمولاً به صورت ضربدری و به شکل عدد ۸ فارسی، طوری بسته می‌شود که گوش‌ها زیر دستار قرار می‌گیرند. البته این شیوه بعد از دوران گوروها، در دوران حکومت مهاراجا رنجیت سینگه بین سیکه‌ها مرسوم شده است. هرچند از نظر رنگ هیچ محدودیتی وجود ندارد، ولی معمولاً رنگ‌های زعفرانی، آبی تیره، مشکی و سفید ترجیح داده می‌شوند. بستن دستار برخلاف پنج کاف الزامی نیست، ولی سیکه‌ها به بستن آن به‌عنوان جزئی از لباس رسمی آیین سیکه مقید هستند (Owen, Cole and Morgan, 2000: 305).

در حقیقت بستن دستار در این آیین نمادی از اطاعت و وفاداری به گوروها و تعالیم آنان است. اهمیت نمادین دستار وقتی برای ما روشن‌تر می‌شود که بدانیم هر مردی که خانواده تشکیل می‌دهد یا به کار و پیشه‌ای مشغول می‌شود یا پس از درگذشت پدر، ریاست خانواده را به‌عهده می‌گیرد، طی مراسم خاصی دستار می‌بندد (سینگ سامبھی و اوون کول، ۱۳۶۹: ۲۳۵). اصولاً موهای سر نباید هیچ‌گاه برهنه باشند، حتی پسر بچه‌ها و کسانی که دستار نمی‌بندند نیز هرگز سربرهنه از خانه خارج نمی‌شوند، بلکه موهای خود را بالای سر خود جمع کرده و پارچه‌ای به نام پَتَکِه (Patka) روی آن می‌بندند. غالباً مردان دستار می‌بندند و زنان فقط روسری بلندی به سر می‌کنند. البته برخی از زنان خالص‌ای تعمیدشده نیز زیر روسری خود عمامه کوچکی می‌بندند و موهای خود را مانند مردان زیر عمامه قرار می‌دهند. ولی زنان سیکه غربی به بستن عمامه سفید، همانند مردان مقید هستند، هرچند معمولاً آنان نیز روی عمامه خود روسری نازک و سفیدی می‌پوشند. در اصل، استفاده از دستار اختصاص به سیکه‌ها ندارد و مسلمانان و هندوها نیز اغلب از آن استفاده می‌کنند، ولی چون سیکه‌ها از بدو پیدایش، به بستن دستار جنبه آیینی داده و آن را یکی از مشخصه‌های خود قرار داده‌اند، می‌توان آن را، به‌ویژه در خارج از هند، یکی از ویژگی‌های برجسته آنان قلمداد کرد.

## باورها و ارزش‌ها

### یگانه‌پرستی

آیین سیکه را باید دینی توحیدی محسوب کرد. اعتقاد به خدای یگانه، به‌عنوان قادر مطلق و خالق هستی، جزو اصول اولیۀ اعتقادی این آیین به‌شمار می‌آید. در دیدگاه توحیدی سیکه، جهان هستی جلوه‌گاه خداوند، و حقیقت وجود تنها مختص به او دانسته شده است (Singh, 1979: 9).

॥ हरि बिनु दृजा नाही कौटि ॥

هری بین دوجا نهی کوئی

به‌جز خداوند هیچ چیز وجود ندارد (G. G. S. Gori Sukhmani, Mahlā: 5/287).

به باور پیروان آیین سیکه مूल مَنتره (Mool-Mul Mantra) نخستین الهام الاهی به گورو نانک بوده است. در این سروده عرفانی، گورو نانک به صورت کامل و در عین حال مختصر دیدگاه توحیدی خود را بیان کرده است:

ੴ ਸਤਿ ਨਾਮੁ ਕਰਤਾ ਪੁਰਖੁ ਨਿਰਭਉ ਨਿਰਵੈਰੁ ਅਕਾਲ ਮੂਰਤਿ ਅਜੂਨੀ ਸੈਭੰ ਗੁਰ ਪ੍ਰਸਾਦਿ

ایک اُونکار ستہ نام کرتا پورکھ نیرئہو نیرویر اکال مورت اجونی سیئہن گور پُرسادہ خداوند یکتاست. نامش حق است. خالق کل است. از کسی ترس و کینه ندارد. بی‌شکل و خارج از گردونہ تناسخ است. قائم به ذات است. (وصال او) به برکت گورو [ممکن است].

با مطالعه مضمون مूल مَنتره می‌توان مدعی شد که این سروده بنیادی‌ترین صفات الاهی از قبیل یگانگی، حق بودن، خالقیت، قدرت، عدالت و در نهایت، رحمت خداوند را بیان کرده است (Singh, 1985: 129).

در مूल مَنتره خداوند با وصف کرتا پورکھ (Kartā Purkh) به معنای خالق شخص‌واره توصیف شده است. واژه پورکھ از ریشه سنسکریت پورشه (Pursha) به معنای انسان‌وار (شخصی) است. البته در آیین سیکه منظور از شخص‌واره بودن خداوند، همانند برخی از فرقه‌های هندو، جسمانی یا مادی دانستن خداوند نیست (Singh, 1979: 9). مطابق آموزه‌های آیین سیکه، به‌طور کلی خداوند به دو صورت منزّه از صفات (نیرگون / Nirgun) و دارای صفات (سرگون / Sargun) تجلی کرده است.

## گورو

یکی از مهم‌ترین باورهایی که بعد از توحید بسیار مورد تأکید پیشوایان آیین سیکه، به‌ویژه گورو نانک بوده، اصل نیاز انسان به گورو برای رسیدن به فنای در حق و نجات از چرخه تناسخ است. گورو نانک در انتهای مول‌مُتتره، بعد از توصیف خداوند با انواع صفات و با تأکید بر یگانگی او، شناخت و وصال چنین خدایی را تنها از طریق عنایت و برکت گورو (گور پُرساد / Gur Prasād) میسر می‌شمارد. جانشینان نانک نیز بر اهمیت این آموزه بسیار تأکید داشته‌اند (G. G. S, Sawiye, Mahlā 4/1401).

پیشوایان آیین سیکه خداوند را گوروی حقیقی خود می‌دانستند. از این‌رو، برای کلام خداوند (گوربانی / Gurbani) جایگاه بسیار مهمی قائل بودند؛ زیرا به باور آنان تجلی کامل خداوند در کلامش است که از ذاتش جدا نبوده و ازلی و ابدی است (Singh, 1971/59).

## تناسخ

آیین سیکه همانند دیگر ادیان سرزمین هند به قانون کرمه<sup>۱۲</sup> (Karma) و تناسخ ارواح معتقد است. این آیین بهشت و دوزخ را، آن‌گونه که در ادیان ابراهیمی وجود دارد، نمی‌پذیرد؛ بلکه جهنم را تناسخ و بهشت را فنای در حق می‌داند. نجات و رهایی از چرخه تناسخ تنها از طریق لطف و عنایت الاهی (کُریا / Kripā) ممکن است (Bala, 1999: 117). طبق آموزه‌های گوروها تنها خداوند می‌تواند به صورت شَبَد (Shabad)، نام (Naam)، یا ستگورو (Satguru)، روح انسان را به مقام رهایی (مُکشه / Moksha) برساند. در آیین سیکه از روح انسان به‌عنوان قطره‌ای جدا شده از اقیانوس هستی الاهی و یا اشعه‌ای از پرتو نور الاهی تعبیر می‌شود که در نهایت برای رهایی از گردونه تناسخ باید به اصل خود بازگردد.

در آیین سیکه بهشت و جهنم جایگاهی خاص برای متنعم شدن با نعمت‌های مادی و یا معذب شدن با آتش نیست؛ بلکه بیشتر بر مفهوم عرفانی آن تأکید شده است. گوروهای سیکه بهشت را به زندگی در عشق الاهی و وصال حق، که از آن به سوکِه محل<sup>۱۳</sup> (Sukhmahal) تعبیر شده است، تعریف کرده‌اند و جهنم را دوری از وصال الاهی و گرفتار شدن در چرخه تناسخ دانسته‌اند. در متون مقدس سیکه وقتی از سرنوشت

انسان‌های نیکوکار و بدکردار یاد می‌گردد، از تعبیری چون: جَنّت و دوزخ (مطابق فرهنگ اسلامی) یا سُوْرگه<sup>۱۴</sup> (Suarga) و نَرگه<sup>۱۵</sup> (Narga) (مطابق آموزه‌های هندوی) نیز استفاده شده است؛ اما آنچه گورها از این تعبیر اراده کرده‌اند، مفهوم خاص اسلامی و هندویی آن نبوده است. به باور پیشوایان سیکه، مؤمن حقیقی کسی است که تمام اعمالش را به خاطر عشق به خداوند انجام دهد، نه به طمع رسیدن به نعمات بهشت (Singh Caveeshar, 2000 /478).

### مایا

آیین سیکه همانند دین اسلام، در عین حال که وابستگی به دنیا و مادیات را به شدت نفی می‌کند، اما آن را خواب و خیالی غیرواقعی نمی‌پندارد. طبق آموزه‌های پیشوایان سیکه چون عالم هستی مخلوق خدای حق است، پس جهان نیز حقیقت است نه خواب و توهم و یا سرابی غیرواقعی، آن‌گونه که در آیین هندو مطرح است (سنگه بی‌تا: ۱۰۲).

॥ आधि सति कीआ सडु सति ॥

آپه سته کیا سبه سته

او خود حقیقت است و هر آنچه او آفریده نیز حقیقت

است (G. G. S, Gori Sukhmani, Mahlā 5/294).

در واقع اصطلاح مایا (Māyā) در آیین سیکه برای بیان جهان گذرا و ناپایدار به کار می‌رود. به این معنا که انسان نباید با مشغول شدن به ظواهر ناپایدار دنیوی از هدف اصلی خلقت، که همان وصال حق است، منحرف گردد (Owen Cole & Singh Sambhi, 2004/105).

॥ चंचलि संगि न चालडी सधीऐ अंति तजि जवत माऐआ ॥

چنچله سنگه ن چلتی سکھیئے انته تچه جوت مائیآ

مایا بی‌وفاست و تو را همراهی نخواهد کرد. ای دوست من! مایا در نهایت تو را رها

خواهد کرد (G. G. S. Bilawal, Mahlā5/803).

### ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی

به‌طور کلی ارزش‌های اخلاقی سیکه در سه اصل مهم خلاصه می‌شود: اول، نام جَپنا (Nām japnā)، یعنی انسان مؤمن همیشه خدا را یاد کند و مشغول ذکر نام او باشد؛ دوم،



کیرت کرنا (Kirat Karnā)، به معنای کار و تلاش در زندگی و کسب رزق حلال، با تعهد و وظیفه‌شناسی؛ و سوّم، وند که چّه‌کننا (Vand ke Chhaknā)، یعنی از مال و ثروتی که با تلاش به دست می‌آورد به نیازمندان نیز عطا کند (Singh, 1999: 162).

آموزه نام چپنا — که آن را نام سمرن (Nām Simran) به معنای ذکر الاهی، نیز می‌گویند — یکی از مهم‌ترین آموزه‌های اخلاقی این دین محسوب می‌شود. برای تحقق نام چپنا، طریقه معمول این است که هر فرد سیکه، به هر کاری که مشغول است، نام خدا را تکرار کند. ولی خواندن جپ‌جی صاحب (Japji Sāhib) و سوکهمنی صاحب (Sukhmani Sāhib) در هر بامداد، و یا گوش سپردن به سرودهای آهنگین دینی، که کیرتن نام دارند، نیز در شمار نام سمرن است. برای تأثیر بیشتر نام سمرن دو عنصر مهم دیگر هم باید در کنار آن باشد: ساذهو سنگت<sup>۱۶</sup> (Sādhu Sangat) به معنای همراهی با نیکان و جماعت مؤمنان، و دیگری سوا (Sevā)، به معنای خدمت به مردم، که آن هم از لوازم ضروری نام سمرن است. این عناصر اساس اخلاقیات اجتماعی سیکه‌ها را می‌سازند (Singh, 2001: 3/162).

در آموزه‌های اخلاقی این آیین، بعد از نام سمرن، ترغیب پیروان به کار و سازندگی، از اهمیت زیادی برخوردار است. سنت سیکه برای تأکید بر این آموزه، گزارش می‌کند که گورو نانک در دوران سفرهای تبلیغی خود فقط مهمان کسانی می‌شد که زندگی خود را با کار و تلاش می‌گذراندند. وی بعد از دوران سفر نیز به کشاورزی مشغول شد و برخلاف دیگر پیشوایان مذهبی از مریدان خود هدیه‌ای نمی‌پذیرفت (Singh, 1993: 49).

در آموزه‌های اخلاقی این آیین، مؤمنان از چند اخلاق ناپسند نیز نهی شده‌اند. مهم‌ترین آنها هومئی (Haumai)، یا خودخواهی و غرور است. این اخلاق ناپسند در تعالیم گوروهای سیکه بزرگ‌ترین مانع انسان در راه رسیدن به رهایی از گردونه تناسخ و واصل شدن به حقیقت به‌شمار می‌آید. کام<sup>۱۷</sup> (Kām) یعنی آرزوهای بلند دنیوی که باعث فراموش شدن هدف اصلی زندگی یعنی فنای در خدا می‌شود، لوبه (Lobh) یا طمع‌ورزی نسبت به دیگران، مه (Moh)، به معنای تعلق به دنیا و مادیات، و کرده (Karodh) به معنای خشم و غضب بیهوده نیز از جمله موارد نهی شده هستند (Singh, 1996: 54-83). در آموزه‌های اخلاقی سیکه برای نجات از این مشکلات اخلاقی فقط یک راه وجود دارد و آن توسل به عشق الاهی و کردار نیکو است.

البته در باور سیکه، حتی اگر مؤمن به هر سه خلق نیکو، یعنی کار و تلاش، یاد خدا، و کمک به فقرا آراسته باشد، باز هم آنچه او را در نهایت به کمال می‌رساند، اعمال وی نیست؛ بلکه عنایت الاهی (کُریبا) است که موجب رهایی می‌شود (آزاد فاروقی، ۱۹۸۶: ۲۱۳). گوروها رهنمودهای اجتماعی مورد نیاز زمان را نیز ایراد می‌کردند. از این رو، گوروها با دو باور متداول در جامعه هندو سخت به مبارزه پرداختند: نظام طبقاتی، و ارزش پایین زن. در جامعه مردسالار هند، زن را خدمت‌گزار مرد، موجودی پست، و یک کالا قلمداد می‌کردند، و نیز به رسم سنی زنی را که شوهرش را از دست داده بود یا به همراه جنازه او زنده در آتش می‌سوزانند، و یا از جامعه طرد می‌کردند. گوروها با این رسم به عنوان یک ضد ارزش مخالفت کردند. از جمله ارزش‌های اجتماعی که گوروها بر ضد نظام طبقاتی ترویج کردند، سنت اطعام عمومی یا لنگر بود. در این سنت تمام انسان‌ها از هر ملیت، دین و طبقه اجتماعی، در کنار هم اطعام می‌شدند (Singh, 1996: 166).

## مناسک و عبادات

### گوردوارا

محل نیایش سیکه‌ها گوردوارا نام دارد. این واژه از دو بخش تشکیل شده است: گورو که در اینجا منظور کتاب گورو گرتنه صاحب است و دوارا به معنای دروازه، محل اجتماع یا خانه. بنابراین گوردوارا در لغت به معنای دروازه گورو یا محل اجتماع مؤمنان در حضور گورو و یا منزل گورو است (Singh, 2001: 2/146). گوردواراها معماری خاصی ندارند، ولی معمولاً به تقلید از معبد طلایی در شهر امریتسر، نوعی معماری اسلامی هندی در بیشتر گوردواراها دیده می‌شود. به دلیل اصل یگانه‌پرستی و نفی پرستش بت در آیین سیکه، معمولاً در گوردوارا هیچ‌گونه تصویر یا مجسمه‌ای، حتی مربوط به گوروها، قرار داده نمی‌شود.<sup>۱۸</sup>

گوردوارا ساختمان یا بنای خاصی نیست، حتی یک اتاق خالی در طبقه فوقانی یک خانه روستایی نیز می‌تواند یک گوردوارا باشد. در حقیقت گوردوارا مکانی است که دو ویژگی مهم داشته باشد: نخست وجود یک نسخه از کتاب گورو گرتنه صاحب، و دوم حضور جمعی از مؤمنان سیکه که به آن ست سَنگت (Sat Sangat) می‌گویند. مهم‌ترین

مراسم نیایش مؤمنان در گوردوارا عبارت است از گوش سپردن به قرائت گورو گرتنه صاحب (پات / Pāt)، خواندن آهنگین اشعار دینی (کیرتن / Kirtan) و آشنایی با تفسیر و معانی آنها در مجالس وعظ و سخنرانی (کته / Katha).

مهم‌ترین مشخصه ظاهری هر گوردوارا نصب نشان صاحب بر بام یا حیاط آن است. چنان‌که اشاره شد نشان صاحب پرچمی مثلثی شکل، معمولاً به رنگ زعفرانی و گاهی نیز آبی تیره، و منقوش به نشان کهندا است.

البته برخی از گوردواراها از لحاظ تاریخی دارای اهمیت خاصی هستند، مانند: هری‌مندیر (معبد طلایی) در شهر امریتسر، سیس گنج<sup>۱۹</sup> (Sis Ganj) در دهلی، نُنکانه صاحب، محل تولد گورو نانک در پاکستان، و پنج تخت، که عبارت‌اند از: اکال تخت<sup>۲۰</sup> (Akāl Takht) در امریتسر، پتنا<sup>۲۱</sup> در ایالت بیهار، کشگره<sup>۲۲</sup> (Keshgarh) در پنجاب، دم‌دمه<sup>۲۳</sup> (Damdama) در شهر تلوندی، و حضور<sup>۲۴</sup> (Hazur) در ایالت مهاراشترا. این گوردواراها که بیشتر در دوران حکومت مهاراجا رنجیت سینگه (Mahārājā Ranjit Singh) بنا شده‌اند، از لحاظ معماری به سبک مغولی — که ترکیبی از معماری اسلامی و هندویی است — ساخته شده‌اند (Bowker, 1997: 392).

همان‌طور که گفتیم گوردوارا محلی است که یک یا چند نسخه از گورو گرتنه صاحب در آن نگهداری می‌شود. مطابق قانون سلوک سیکه، یعنی رهت مرّیادا، نگهداری از گورو گرتنه صاحب در گوردوارا، شرایط خاصی دارد: گورو گرتنه صاحب باید با احترام باز، قرائت، و بسته شود. باید در محلی بلند روی یک سکو یا چهارپایه (منجی / Manji) در مکانی تمیز قرار داده شود. باید با احتیاط باز شود. بالش‌های کوچکی باید برای نگهداری آن به کار رود و یک پارچه مربع شکل (رُمال / Romāl) باید در فاصله قرائت‌ها، وقتی کتاب باز است، برای پوشاندن آن مورد استفاده قرار گیرد. باید بر فراز گورو گرتنه صاحب سایبانی (چانی / Chanini) افراشته شود و بادبزی (چور / Chaur)<sup>۲۵</sup> برای حرکت دادن روی کتاب، به نشانه احترام در دسترس باشد (سینگ سامبھی و اوون کول ۱۳۶۹: ۳۱۵).

حضور در گوردوارا برای پیروان همه ادیان آزاد است، ولی مستلزم رعایت احکام خاصی است، مانند: پوشاندن سر برای مردان و زنان، پابره‌نه وارد گوردوارا شدن، همچنین عدم تمایز میان طبقه، نژاد و جنسیت<sup>۲۶</sup> حتی سیکه بودن یا نبودن.

در گوردوارا غیر از نیایش، مراسم سالگرد درگذشت و تولد گوروها (گورپورب / Gurpurb) و یادبود حوادث مهم تاریخی آیین سیکه، مانند تشکیل خالصا، نیز برگزار می‌گردد. همچنین در گوردوارا محلی برای اجتماع مردم، میهمان‌سرا، احیاناً مرکز فرهنگی، مدرسه و نیز محلی برای درمانگاه یا مؤسسه خیریه در نظر گرفته می‌شود. یکی از قسمت‌های مهم گوردوارا سفره‌اطعام عمومی (لنگر) است. هر سیکه مؤمن بر خود لازم می‌داند که در این سفره‌خانه خدمت (سوا) کند. هزینه‌ی اطعام نیز معمولاً از دَسَوَندَه (Daswandh / یک دهم اموال هر سیکه که باید هر سال بپردازد) و نذورات زائران تأمین می‌شود (Bowker, 1997: 392). این سنت از دوران گورو نانک رایج بوده است. در سنت سیکه غذا خوردن در جمع، بدون تمایز طبقه، نژاد و یا حتی دین، علاوه بر فواید اجتماعی آن، نوعی عبادت نیز محسوب می‌شود.

### هری‌مَندیر (معبد خداوند)

مرکز دینی و معنوی آیین سیکه به سه نام مشهور است: نخست هری‌مَندیر یا هَرَمَندیر که نامی هندویی و به معنای معبد خداوند است. این اسم از دو بخش هری (هر)، یکی از اسامی خداوند در آیین هندو، و مَندیر، به معنای معبد، ترکیب شده است. نام دیگر این معبد اسم اسلامی و فارسی دربار صاحب (Darbār Sāhib)، به معنای بارگاه الهی است. این واژه نیز ترکیبی از واژه‌های فارسی دربار و صاحب است. واژه صاحب میان مسلمانان هند برای خداوند به کار می‌رود. سومین و مشهورترین نام این معبد هم معبد طلایی است. این نام توسط انگلیسی‌ها، به خاطر پوشش طلایی آن به کار رفت، و بعدها به همین نام مشهور گشت.

این معبد در میان استخری‌بزرگ به نام/مریت سَرُورَه (Amrit Sarovara)، به معنای استخر آب مقدس، قرار دارد. این استخر در سال (۱۵۷۷/م/۹۷۸ق) توسط گورو رام داس، گوروی چهارم، ساخته شد و گورو ارجن، گورو پنجم، معبد را در میان استخر بنا کرد. گنبد معبد با لایه‌ای از طلا به وزن صدکیلوگرم پوشانده شده است. فضای داخل معبد کوچک است، ولی با مهارت و ظرافت خاصی تزیین شده است. در معبد، کتاب مقدس زیر سایبانی زیبا و پارچه‌هایی رنگی قرار دارد. ساختمان معبد در سال (۱۸۰۳/م/۱۲۲۴ق) توسط مهاراجا رنجیت سینگه (۱۸۳۹-۱۷۸۰/م/۱۲۶۰-۱۲۰۱ق) بازسازی شد (Howley, 1996: 295).

از جمله آیین‌هایی که تقریباً شبانه‌روز در معبد خداوند انجام می‌شود، خواندن آهنگین متون مقدّس (کیرتن) و قرائت بی‌وقفه تمام کتاب مقدّس (اکّهند پات (Akhand Pat) است. معمولاً خوانندگان کیرتن در نوبت‌های سه ساعته، فضای معبد را آکنده از نوای موسیقی معنوی خود می‌کنند. قرائت بدون وقفه کتاب مقدّس هم که چهل و هشت ساعت طول می‌کشد، برخلاف دیگر گوردواراها که فقط در ایام خاصی انجام می‌شود، در تمام طول سال ادامه دارد.

در گوردوارهای اطراف صحن معبد طلایی و در جایگاه‌های مخصوص در اطراف ساختمان معبد طلایی نسخه‌هایی از کتاب مقدس قرار دارد که آنها معمولاً شبانه‌روز قرائت می‌شوند. ولی در داخل معبد طلایی معمولاً یک کتاب مقدس قرار داده می‌شود که زائران به آن احترام می‌گذارند و در اطراف آن جمع می‌شوند. نسخه‌ای که در داخل ساختمان قرار دارد و سیکه‌ها آن را زیارت می‌کنند از چهار صبح تا ده شب باز است و سپس به اتاق استراحت منتقل می‌شود.

قرائت کتاب مقدّس و کیرتن معمولاً در تابستان از چهار صبح تا ده شب، و در زمستان از پنج صبح تا یازده شب ادامه پیدا می‌کند. در انتهای شب کتاب مقدّس با احترام روی تخت روان (پالکی صاحب / Palki Sahib) با مشایعت مریدان به ساختمان اکال تخت منتقل شده و در اتاق مخصوص روی تختی زیبا خوابانده می‌شود. سحرگاه نیز بار دیگر کتاب مقدّس به همان صورت به معبد طلایی بازگردانده می‌شود. در طی این مدت نیز فضای داخلی و اطراف معبد با آب و شیر<sup>۲۷</sup> شسته می‌شود.

## انواع قرائت

به‌طور کلی گورو گرتنه صاحب را به سه طریقه قرائت می‌کنند:

۱. کیرتن، خواندن آهنگین بخش‌هایی از سرودهای گورو گرتنه صاحب همراه با موسیقی، که یکی از عبادات اصلی در هر سنّگت (جمع سیکه‌ها) محسوب می‌شود.
۲. سدّه‌ارن پات (Sadhāran Pat)، قرائت عادی و ساده گورو گرتنه صاحب.
۳. اکّهند پات، قرائت بدون توقّف و یکسره تمام کتاب گورو گرتنه صاحب. این نوع قرائت در ایام خاص دینی، مانند سالگرد تولد یا درگذشت گوروها، و یا حوادث

مهم تاریخی سیکه، مثل روز تشکیل خالصا، و یا روزهای خاص برای هر فرد، همچون شروع کاری جدید، نام‌گذاری فرزند، خرید منزل نو و... اجرا می‌شود. حدوداً ۴۸ ساعت قبل از این‌گونه مناسبت‌ها، گورو گرتنه صاحب را از ابتدا تا به انتها، به صورت شبانه‌روزی، بدون توقف به نوبت قرائت می‌کنند (Shromni 1998 /15).

### مراسم تعمید (کهندا کا امریت)

طبق فرمان گورو گوبند سینگه، هر سیکه برای عضویت در خالصا باید با مراسم موسوم به کهندا کا امریت، که نخستین بار توسط خود وی ابداع شد، تعمید بیابد. امروزه نیز هر فردی، چه در خانواده سیکه به دنیا آمده باشد، یا از دین دیگری به این آیین بگردد، لازم است این مراسم را انجام دهد. تعمید یافتن و عضویت در جامعه سیکه (پنته) برای هر انسان از هر طبقه و نژادی که تصمیم بگیرد به آیین سیکه درآید آزاد است.

برای آغاز مراسم تعمید پنج تن از سیکه‌های خالصا، چه مرد و چه زن، به‌عنوان نمادی از پنج پیاره (نخستین پنج تنی که توسط گورو دهم تعمید یافتند) انتخاب می‌شوند. سپس این پنج تن غسل کرده و لباسی پاکیزه همانند لباس پنج پیاره که معمولاً شامل عمامه، پیراهنی بلند و شلواری کوتاه است به تن می‌کنند. علاوه بر این دقت می‌شود که پنج کاف و شمشیر را نیز همراه داشته باشند.

فردی که داوطلب تعمید شدن است نیز غسل کرده و چنین لباسی به تن می‌کند. سپس در یک گوردوارا در حضور کتاب مقدس گورو گرتنه صاحب، مراسم با دعا (آرداس / Ardās) آغاز می‌شود. نخست، پنج پیاره از فرد داوطلب نسبت به عقاید و رعایت باورها و احکام دین سیکه اقرار می‌گیرند. بعد از قبول تمام این اصول و ابراز ایمان، مراسم اصلی تعمید آغاز می‌شود.

طی مراسمی، امریت<sup>۲۸</sup> (Amrit) تهیه می‌شود. برای تهیه امریت، در یک کاسه بزرگ فلزی، مقداری آب صاف و شیرینی مخصوص هندی ریخته می‌شود. سپس پنج پیاره در اطراف کاسه فلزی می‌نشینند و به نوبت با دست چپ ظرف را می‌گیرند و با دست راست شمشیر دودم (کهندا) را در ظرف حرکت داده و در حال زمزمه اشعار گوروها، آب و شیرینی را با هم مخلوط می‌کنند.

این کار را بزرگ‌ترین آن پنج تن با خواندن جپ‌جی صاحب آغاز می‌کند؛ پس از او فرد دوم جاپ صاحب (Jāp Sāhib)، فرد سوم سَوَیَا (Sawayyā)، فرد چهارم چَوَپای (Chaopai) را قرائت می‌کند و در نهایت کُهندا را به نفر پنجم می‌دهند و او در حالی که/نند صاحب (Anand Sāhib) را می‌خواند آخرین بار آب و شیرینی را با هم مخلوط می‌کند. پس از اتمام این مراسم، پنج پیاره از فرد داوطلب می‌خواهند تا یکی از شعارهای دینی سیکه را با این مضمون بگوید: «واهِ گورو جی کا خالصا واهه گورو جی کی فَتِح»؛ یعنی خالصاً متعلق به خداوند شگفت‌انگیز است و پیروزی نیز از آن خداوند شگفت‌انگیز است. او باید این شعار را پنج بار تکرار کند.

آنگاه بزرگ‌ترین فرد از میان پنج پیاره مقداری از امریت را بر سر، صورت و چشمان فرد تعمیدشونده می‌پاشد و مقداری را نیز در مشت او می‌ریزد تا بنوشد. در این حال فرد تعمیدشونده باید در مقابل آنان به صورت ویراسَن (Virāsan) بنشیند؛ به این صورت که زانوی راست را بالا و زانوی چپ را بر زمین بگذارد. پس از اتمام تعمید یکی از پنج پیاره شیوه زندگی و ایمان خالصاً را بار دیگر برای فرد تعمید یافته تشریح می‌کند.<sup>۲۹</sup> بعد از انجام این مراسم بار دیگر فرد تعمید یافته با صدای بلند شعار سیکه را می‌خواند. اگر فرد تعمید یافته اسم کوچکش از کتاب مقدس انتخاب نشده باشد، با تفأل زدن به کتاب مقدس (به شیوه نام‌گذاری نوزادان) نامی برای او انتخاب می‌شود. با تقسیم کره پرساد بین حضار، مراسم به اتمام می‌رسد. کره پرساد (karah prasad) همان حلوا است که به عنوان غذای متبرک بعد از تشریفات مذهبی بین حاضرین در گوردوارا تقسیم می‌شود. از این پس، فرد تعمید یافته رسماً عضو پنته محسوب می‌شود. بعد از آن اگر آن فرد مرد باشد نام خانوادگی‌اش به سینگه به معنای شیر، و اگر زن باشد به کور، به معنای ملکه یا بانو، تغییر می‌یابد. (Chander Dogra & Singh Mansukhani, 1997: 67 and Lopez, 1998: 321).

### مراسم نام‌گذاری نوزادان

پس از گذشت چند روز از تولد نوزاد، هنگامی که حال مادر رو به بهبودی نهاد، نوزاد را به گوردوارا می‌برند تا مراسم شکرگزاری و انتخاب نامی مناسب برای نوزاد انجام شود. در این مراسم نخست شعری را از گورو ارجن که مضمون آن تشکر از خداوند

به خاطر تولد فرزندش گورو هر گویند است، هم‌نوا با هم می‌خوانند. سپس برای کودک آب مقدس (امریت) تهیه می‌شود. در طی مراسم تهیه امریت، مسئول امور دینی پنج شعر از اوّل جپی صاحب را می‌خواند و در این حال خنجر دو دم را در آب مقدس حرکت می‌دهد. سپس خنجر کوچکی را به امریت آغشته کرده، آن را آرام به زبان کودک می‌زند. بعد از آن مادر نوزاد باقی امریت را می‌نوشد (Owen Cole and Morgan: 2000/307).

پس از این مراسم در حضور جماعت حاضر در معبد، کتاب مقدس گورو گرتنه صاحب به صورت تصادفی باز می‌شود و نخستین کلمه از اوّلین شعر در صفحه سمت چپ به عنوان نام کودک انتخاب می‌شود (Nigosian, 1994: 173). اگر کودک دختر باشد به انتهای نامش گوّر و اگر پسر باشد سینگه افزوده می‌شود. بعد از آن مسئول امور دینی نام نوزاد را اعلام می‌کند، و شعار آیین سیکه «جو بوله سو نیهال» به معنای هر آن‌کس که بگوید به شادی و بهجت می‌رسد، را با صدای بلند می‌خواند.<sup>۳۰</sup> جمعیت حاضر نیز با صدای بلند پاسخ او را این‌گونه می‌دهند: «ست سری آکال»؛ یعنی، تنها خدای متعال حقیقت است. در انتهای مراسم پنج شعر اول و آخر بخشی از کتاب مقدس به نام آنند صاحب را می‌خوانند و مراسم با دعا (آرداس) و تقسیم کره پرساد به پایان می‌رسد. در صورتی که به هر علّتی امکان رفتن به گوردوارا نباشد، می‌توان مراسم نام‌گذاری را در خانه انجام داد، و به جای کتاب مقدس گورو گرتنه صاحب از برگزیده اشعار آن به نام گوتکا برای انتخاب نام نوزاد استفاده کرد (Owen Cole and Morgan, 2000: 307).

### مراسم ازدواج سیکه

مطابق آنچه در رهت مریادا درباره مراسم ازدواج آمده است، ازدواج باید با مراسم خاصی به نام *اننده سنسکار*<sup>۳۱</sup> (Anand Sanskār) انجام شود. این مراسم به این صورت است که مرد سیکه در حالی که ملبس به پنج کاف است، پارچه‌ای را از دوش خود آویزان می‌کند و یک سر آن را در دست می‌گیرد. دختر هم ملبس به لباس محلی، پشت سر شوهرش می‌ایستد و یک سر پارچه را می‌گیرد. سپس مسئول قرائت کتاب مقدس (گرتنه / Granthi) پشت جایگاه مخصوص گورو گرتنه صاحب قرار می‌گیرد و به قرائت سروده‌های خاصی از آن می‌پردازد، در حین قرائت، عروس و داماد چهار بار به دور



گورو گرتنه صاحب می‌گردند؛ که به هر بار چرخش لاون (Lāvān) می‌گویند. سپس هر دو در مقابل کتاب مقدس تعظیم می‌کنند و از آن به بعد زن و شوهر محسوب می‌شوند (Shromni Gurdwārā prabandak committee, 1998: 22).

### مراسم بعد از مرگ

آیین سیکه نیز، مانند سایر ادیان هندی، سوزاندن جسد را بهترین راه برای از بین بردن جسد دانسته است و برای آن احکام خاصی دارد. این احکام طبق رَهتْ مَرِیادا به این شرح است: در مراسم مرده‌سوزان سیکه‌ها نباید از آداب دیگر ادیان استفاده کرد، بلکه صرفاً باید ذکر واهه گورو زمزمه شود. فرد متوفا حتی اگر کودک خردسالی هم باشد باید سوزانده شود.<sup>۳۲</sup> برای مراسم سوزاندن جسد، شب و روز فرقی ندارد. جسد را قبل از سوزاندن، غسل می‌دهند، ولی دقت می‌کنند که پنج کاف از جسد جدا نشود. یکی از نزدیکان متوفا (ترجیحاً پسر بزرگ) در حالی که سروده‌های خاصی از کتاب مقدس را می‌خواند، توده هیزم را شعله‌ور می‌کند. در مدت سوختن جسد، حضار به خواندن کیرتن و دعای مناسب مشغول هستند. خاکستر را در هر رودخانه‌ای که آب جاری<sup>۳۳</sup> داشته باشد می‌توان ریخت (Ibid, 1998: 25).

### مراسم توبه

کسی که رسماً تعمید یافته و عضو خالصاً گردیده است، اگر یکی از اعمال ممنوع را انجام دهد یا یکی از پنج کاف را رعایت نکند، مرتد (پتت / Patit) خوانده می‌شود. چنین فردی دیگر عضو پنته محسوب نمی‌شود و اگر بخواهد بازگردد، باید مراسم توبه (تنخه / Tankhah) را انجام دهد. فردی که پتت شده است باید به‌طور رسمی به کار ناشایست خود اعتراف و تقاضای بخشش کند. بعد از این کار، پنج سیکه خالصاً به لباس پنج پیاره درآمده و برای او مجازاتی در نظر می‌گیرند. مجازات هم اصول و محدودیت‌هایی دارد؛ مجازات نباید از قبیل اعدام، تنبیه بدنی و یا تحقیر کردن باشد، مجازات باید ترجیحاً از نوع خدمت (سوا) باشد، و فرد بتواند به‌تنهایی آن کار را انجام دهد، مثل جارو کردن گوردوارا، کار در تهیه لنگر، جفت کردن کفش زائران و... پس از آن فرد پتت بخشیده شده و بار دیگر مراسم تعمید (کهندا کا امریت) برای او اجرا می‌شود (Ibid: 32).

## متون و منابع

## گورو گرتنه صاحب (آدی گرتنه)

امروزه کتاب مقدس سیکه شری<sup>۳۴</sup> گورو گرتنه صاحب جی<sup>۳۵</sup> (Sri Guru Granth Sāhib ji) نامیده می‌شود. این کتاب پیش از انتصاب به‌عنوان گوروی جاودان آیین سیکه، به اسم آدی گرتنه (کتاب نخستین) نامیده می‌شد. واژه آدی به معنای نخستین و گرتنه به معنای کتاب است. این کتاب، اولین بار توسط گورو ارجن، گوروی پنجم، به صورت یک کتاب مستقل تدوین شد (Mansukhani, 2004: 95).

این کتاب شامل سه دسته شعر است: نخست، اشعار شش تن از گوروهای سیکه یعنی سروده‌های پنج گوروی اول و گوروی نهم؛ دوم، سروده‌های صوفیان و عرفای مسلمان، مانند بابا شیخ فریدالدین گنج شکر و بهکن جی، و اشعار بهکتی‌های هندو مانند کبیر، نامدو، رویداس و راماننده؛ و سوم، اشعار نقال‌ها و حماسه‌سرایانی از اصحاب گورو نانک و جانشینان او که بهت (Bhat) نامیده می‌شوند، مثل مردانه که از یاران گورو نانک بود (Chander Dogra & Singh Mansukhani, 1997: 3).

گورو گرتنه صاحب کاملاً به نظم نوشته شده است، اما نوع و سبک اشعار آن بسیار مختلف است. امروزه تمام نسخه‌های این کتاب ۱۴۳۰ صفحه دارند که هر صفحه شامل ۲۷ سطر و هر سطر شامل ۳۵ کلمه است. در این کتاب جمعاً شش زبان به چشم می‌خورد: پنجابی، مولتانی، فارسی، پراکریت، هندی و مراثی. علاوه بر این زبان‌ها، مطالبی به لهجه‌های محلی مختلف نیز در این کتاب یافت می‌شود. البته تمام این زبان‌ها به رسم‌الخط گورموکھی نوشته شده‌اند.

کتاب گورو گرتنه صاحب در آیین سیکه محور و پایه اصلی اعتقادی این آیین محسوب می‌شود. احترامی که سیکه‌ها به این کتاب می‌گذارند نشان‌دهنده جایگاه والای این کتاب است؛ همه سیکه‌ها بعد از ورود به گوردوارا با احترام خاصی در مقابل کتاب مقدس تعظیم می‌کنند، تا جایی که در نگاه اول و در ظاهر به نظر می‌رسد سیکه‌ها مشغول پرستش همین کتاب هستند. در واقع تمام آیین سیکه در این کتاب خلاصه می‌شود. محتوای کتاب بیشتر مباحث عرفانی و الاهیاتی، و شامل چند بخش مهم است. این قسمت‌ها شامل ۱۳۳۹ صفحه از کتاب مقدس سیکه است که اشعار گوروها و بهکتی‌ها را دربردارد. در انتها نیز کتاب با دو بخش به نام‌های بھگ (Bhog) و بھگ کی

### دَسَم گَرَنَتِه

از دیگر کتب مورد احترام که بعد از گورو گَرَنَتِه صاحب مطرح است دَسَم گَرَنَتِه (Dasam Granth) نام دارد. نام کامل این کتاب دَسون پاتشاه کا گَرَنَتِه (Dasven Pāṭṣāh kā Granth) به معنای کتاب دهمین پادشاه است، که به اختصار دَسَم گَرَنَتِه خوانده می‌شود. این کتاب مجموعه‌ای از اشعار منسوب به گورو گویند سینگه، گورو دهم سیکه‌ها، است که نخستین بار بعد از درگذشت او توسط بهای مَنی سینگه (Bhāi Mani Singh)، یکی از اصحاب نزدیک وی، در سال (۱۷۳۴م / ۱۱۵۵ق) تدوین شده است. محتوای کتاب بیشتر شامل سه موضوع مهم اساطیر، نکات اخلاقی و شرح زندگی گورو دهم است (Mansukhani, 2004: 114).

دَسَم گَرَنَتِه با سروده‌ای به نام جاپ صاحب آغاز می‌شود. این بخش قسمتی از نیایش صبحگاهی و مراسم تعمید در آیین سیکه را تشکیل می‌دهد. این شعر مجموعه‌ای از ابیات موزون در ستایش خداوند است. جاپ صاحب از ۱۹۹ بند، به چندین زبان مختلف، مثل سنسکریت، فارسی، عربی، هندی و پنجابی تشکیل شده است (Chander Dogra & Singh Mansukhani, 1997: 8).

### جنم ساکھی‌ها

جنم ساکھی‌ها کتاب‌هایی روایی هستند که مریدان گورو نانک در مدح وی سروده‌اند ولی از لحاظ تاریخی مورد وثوق نیستند. واژه جنم ساکھی که به معنای داستان زندگی است، از دو بخش، جنم به معنای زندگی و ساکھی، از ریشه سنسکریت ساکشیه (Sākṣya)، به معنای داستان، گواه و دلیل، اخذ شده است (Singh, 2001: 1/337). در اصطلاح، جنم ساکھی به مجموعه گزارش‌هایی از سیره زندگانی گورو نانک که توسط پیروان وی سینه‌به‌سینه نقل شده و بعدها در مجموعه کتاب‌هایی جمع‌آوری شده است اطلاق می‌شود. این زندگی‌نامه‌ها در زمان‌های متفاوت و طبق روایات مختلفی پس از درگذشت گورو نانک به ثبت رسیده‌اند، ولی راوی بیشتر آنها شخصی به نام بهای بالا<sup>۳۶</sup> بوده است (Chander Dogra & Singh Mansukhani, 1997: 230).

برای نگارش جنم ساکھی‌ها از خط گورموکھی و زبان‌های پنجابی و ساذموکاری (Sādhukāri) یا سنت بهاشا<sup>۳۷</sup> (Sant bhāshā) استفاده شده است. امروزه چهار جنم ساکھی به عنوان مشهورترین و معتبرترین جنم ساکھی‌ها موجود هستند که عبارت‌اند از: پُراتن جنم ساکھی (Puratan Janam Sākhi)، بهای بالا جنم ساکھی (Bhāi Bālā Janam Sākhi)، مَهْرَبان جنم ساکھی (Miharbān Janamsākhi) و مَنی سینگه جنم ساکھی (Mani Singh Janamsākhi). (W. Owen Cole, 2004: 166)

### واران بهای گورداس و دیوان بهای نندلال

واران بهای گورداس (Vārān Bhāi Gurdās) مجموعه اشعاری شامل سی و نه قطعه شعر (وار / Vār)<sup>۳۸</sup> است که توسط یکی از اصحاب و خویشان گورو ارجن، گوروی پنجم، به نام بهای گورداس (۱۶۳۶ - ۱۵۵۱ م / ۱۰۵۷-۹۷۲ق) سروده شده است. نام اصلی او پُرتَهَم (Pratham) بود، ولی به دلیل علاقه زیاد و اطاعت محض از گورو به گورداس، به معنای بنده گورو، مشهور شد. او نوه سومین گورو، گورو امرداس بود؛ به همین دلیل گوروها او را با لقب عموی بزرگ می‌خواندند و بسیار مورد احترام قرار می‌دادند. سروده‌های او از چنان جایگاه مهمی در آیین سیکه برخوردار است که گوروی پنجم اشعار بهای گورداس را به گوریانی دی کونجی (Gurbāni di Kunji ਗੁਰਬਾਨੀ ਦੀ ਕੁੰਜੀ) به معنای کلید فهم اشعار کتاب مقدس، ملقب کرد. به همین دلیل با اینکه سروده‌های او در کتاب مقدس درج نشده است، ولی در معابد سیکه همانند اشعار کتاب مقدس در کیرتن خوانده می‌شود (Singh, 2000: 19). مضمون این اشعار توضیح و تفسیر اصطلاحات مهم الاهیات، معارف، اخلاقیات و مهم‌ترین آموزه‌های گوروها مانند: سنگت، هومی، گورموکه منموکه و... است (Singh, 2001: 4/411).

دیوان بهای نندلال (Diwān Bhāi Nand Lāl) یکی دیگر از منابع مهم دینی سیکه محسوب می‌شود. این دیوان شعر، توسط بهای نندلال (۱۷۱۳-۱۶۳۳ م / ۱۱۳۴-۱۰۵۴ق)، از مریدان و شاگردان گورو گویند سینگه، گوروی دهم، سروده شده است. او از شعرای بزرگ و محبوب آیین سیکه است که اشعارش مانند بهای گورداس تبیین‌کننده اعتقادات بنیادین این آیین قلمداد می‌شود. بهای نندلال متولد و بزرگ‌شده شهر غزنی در افغانستان امروزی، و مسلط به زبان فارسی بوده است (McLeod, 2005: 81 and Singh, 2001, 4: 195).

تخلّص شعری او گویا<sup>۳۹</sup> (Goyā) بود، به همین دلیل به نام نندلال گویا نیز مشهور است (Gupta, 2000/1/384).

## احکام و الزامات

هر سیکه خالصاً اعم از مرد و زن، باید پنج نشانه را همیشه همراه داشته باشد: کس (کش): کوتاه نکردن موهای تمام بدن. برای این حکم چند دلیل بیان شده است: اول اینکه مو و ریش بلند با عنوانی که برای سیکهها انتخاب شده، یعنی سینگه به معنای شیر، تناسب دارد.<sup>۴۰</sup> دوم اینکه باقی گذاشتن مو، نوعی درس تسلیم در مقابل اراده‌ی الهی است؛ به این معنا که خالصاً خود را به همان چهره‌ای که خدا انسان را به آن صورت خلق کرده باقی می‌گذارد. دلیل دیگر اینکه، حفظ موها باعث حالت معنوی و روحانی، و از طرفی هم موجب تشبّه به عرفا، پیامبران و ریشی‌ها<sup>۴۱</sup> (Rishi) است.

۱. کنگا: همراه داشتن شانه برای مرتّب و تمیز نگاه داشتن موها. این کار در واقع برای عدم شباهت به مرتاض‌های هندو است؛ چراکه آنان نیز موهای خود را کوتاه نمی‌کنند، ولی موی آنان بسیار کثیف و ژولیده است.

۲. کیرپان: همراه داشتن خنجر یا شمشیر برای ایجاد حسّ شجاعت و دفاع از خود.

۳. کرا: مچ‌بند فولادی، وسیله‌ای برای یادآوری اصول سیکه و تذکر این نکته که سیکه همیشه بنده‌ی خداوند است.

۴. کچّه (کچھیرا): شلوار کوتاه برای پوشاندن اعضایی از بدن که باید همیشه پوشیده باشند. در ضمن این لباس یادآور تعهد به اصول سیکه و بازدارنده از تمایلات جنسی نامشروع است.

هر سیکه خالصاً باید روزانه در سه وقت، پنج دعا از اشعار گورو گرتّھ صاحب و دسّم گرتّھ را بدین ترتیب قرائت کند: خواندن رَهت (Rahat) و جَپ جی در هر بامداد؛ خواندن جاپ و سَوَیّه بعد از غروب خورشید؛ و خواندن رَهراس (Rahrās) قبل از خواب. برای خواندن این نیایش‌ها انجام حرکات مخصوص مثل سجده، رکوع و یا توجه به سمتی خاص به‌عنوان قبله لازم نیست؛ بلکه می‌توان در حال انجام کار نیز این دعاها را زمزمه کرد. البته اگر فرد در گوردوارا و در حضور کتاب مقدّس گورو گرتّھ صاحب باشد، باید برای احترام رو به کتاب دعا کند.

دوری از چهار گناه بزرگ نیز بر هر سیکه خالصاً لازم دانسته شده است، این چهار گناه عبارت‌اند از:

۱. کسان دی ب/اڈبی (Kesān di be-adbi): یعنی بی‌حرمتی به موها، که مصداقش کوتاه کردن موهای بدن است.
۲. تماکو دا ورتنا (Tamāku dā vartnā): استعمال تنباکو و هر نوع مواد مخدر و مُسکرات.
۳. کُتھا کُھانا (Kothā khānā): خوردن گوشت ذبح اسلامی.
۴. پیر استری جان پیر پُرشا دا گَمَن (Par istri jān par porsh dā Gaman): به معنای رابطه نامشروع با زنان یا مردان بیگانه (Shromni Gurdwārā prabandak committee, 1998: 30).

### پی‌نوشت

۱. معمولاً خود سیکه‌ها نام آیین خود را با پسوند ذهرَم Sikh Dharam — که از ریشه سنسکریت ذهرَمه به معنای طریقت و مسلک است — به کار می‌برند.
۲. درباره ریشه این کلمه احتمالات دیگری نیز وجود دارد.
۳. G. G. S علامت اختصاری برای اشاره به کتاب مقدس آیین سیکه، گورو گرنته صاحب، است.
۴. رهت مریدا (Rehat Maryādā) نیز تلفظ می‌شود. واژه به کار رفته در متن مشهورتر است.
۵. گورو گووند سینگه (Guru Govind Singh) نیز تلفظ می‌شود. واژه به کار رفته در متن مشهورتر است.
۶. در متون انگلیسی Punjab نگاشته می‌شود ولی پنجاب خوانده می‌شود.
۷. نخستین بار سیکه‌ها به‌عنوان تاجر، راننده و سایل نقلیه سنگین، کارگر راه‌آهن و سرباز ارتش بریتانیا وارد ایران شدند و برخی از آنان ماندگار شدند. البته امروزه بیشتر سیکه‌ها از ایران به هند و کشورهای دیگر مهاجرت کرده‌اند و تعداد بسیار اندکی از آنان در شهرهای تهران و زاهدان حضور دارند که در بین مردم به نام سردار مشهور هستند.
۸. کس (Kes) نیز تلفظ می‌شود. واژه به کار رفته در متن مشهورتر است.
۹. کچھیره (Kachhira) نیز تلفظ می‌شود. واژه به کار رفته در متن مشهورتر است.
۱۰. سیکه‌ها گوردوارا را با نام فارسی دیوان (Diwān)، به معنای بارگاه و دربار، نیز می‌نامند.
۱۱. به نظر می‌رسد این واژه همان Saguna باشد که به لهجه محلی پنجابی به این صورت در آمده است. همین مطلب درباره Nirgun نیز صادق است، یعنی به احتمال قوی این واژه برگرفته از اندیشه Nirguna بودن خداوند در آیین هندو و هم‌ریشه با همان است، که در لهجه پنجابی به نیرگون بدل شده است.
۱۲. تأثیر کردار انسان در تولدهای آینده‌اش.

۱۳. به معنای جایگاه خوشی و آرامش.
۱۴. بهشت.
۱۵. جهنم.
۱۶. این کلمه از دو واژه ساذهو به معنای عارف، کسی که به درجه گورموکه رسیده (نه معنای مصطلح آن در آیین هندو به معنای مرتاض)، و سنگت به معنای همراهی تشکیل شده است.
۱۷. این کلمه در اصطلاح هندویی به مفهوم کسب لذت است.
۱۸. البته امروزه در برخی از گوردواراها تصویر گورها، به ویژه گورونانک و گوروگوبند سینگه مشاهده می‌شود؛ ولی این تصاویر صرفاً برای زیبایی به کار می‌روند، و نه به عنوان بت.
۱۹. شیش گنج (Siṣ Ganj) نیز تلفظ می‌شود. واژه به کار رفته در متن مشهورتر است.
۲۰. ساختمانی بزرگ در کنار معبد طلایی در شهر امریتسر است که توسط گورو هرگوبند، گوروی ششم، بنا شد. امروزه مجمع رهبری جامعه سیکه در این بنای تاریخی و دینی مستقر هستند.
۲۱. محل تولد گوروی دهم.
۲۲. محل تأسیس خالصا.
۲۳. محل تکمیل آدی گرنته و اضافه شدن اشعار گوروی نهم توسط فرزندش، گوروگوبند سینگه.
۲۴. محل درگذشت گوروی دهم و انتصاب کتاب مقدس گورو گرنته صاحب به عنوان گوروی جاودان سیکه.
۲۵. این بادبزن خاص از پرتاووس یا از موی دم گاو تبتی (یاک) تهیه می‌شود. این کار از سنت باستانی هند نشئت می‌گیرد. در هند این کار را برای مهاراجه‌ها و حاکمان می‌کردند و آن را نشانه احترام و اظهار بندگی می‌دانستند.
۲۶. البته آنچه متعارف است زنان و مردان جدا از هم می‌نشینند: زنان در سمت چپ و مردان در سمت راست.
۲۷. شست‌وشو با شیر سمبل پاکی باطن است.
۲۸. این کلمه از ریشه سنسکریت اَمْرْتَه (Amṛta) به معنای نامیرا یا فناپذیر است.
۲۹. آنچه به فرد تعمید یافته گفته می‌شود از این قرار است: از امروز تو در خانواده گورو متولد شده و از چرخه تناسخ رهایی یافته‌ای. تو اکنون عضوی از خالصا هستی. گوروگوبند سینگه پدر معنوی تو و صاحب کور (همسر سوم گورو گوبند سینگه) مادر معنوی تو است. زادگاه تو منطقه کشگره (Keśgarh) در شهر اندپور صاحب (شهری که نخستین بار خالصا در آنجا تشکیل شد) است. همه اعضای خالصا برادران تو هستند. تو باید تمام وابستگی‌های طبقاتی و دینی سابق را رها کنی. تو اکنون فقط عضو خالصا هستی. تو باید تنها خدای یگانه را پرستی و دیگر خدایان نر و ماده، اوتاره‌ها و پیامبران را رها کنی. تو باید ده گورو و تعالیشان را بپذیری. تو باید خواندن و نوشتن گورموکه را فراگیری، و روزانه این متون مقدس را بخوانی... تو باید همواره پنج کاف را همراه داشته باشی. از چهار گناه بزرگ نیز باید پرهیز کنی: کوتاه کردن موی بدن، خوردن گوشت ذبح اسلامی، روابط جنسی نامشروع و استعمال تنباکو. در صورت ارتکاب هر کدام از این گناهان از

- جامعه خالصا کنار می‌روی تا توبه کنی.
۳۰. منظور از شعار دینی چیزی شبیه به تکبیر در اسلام است که در جمع با صدای بلند خوانده می‌شود؛ سیکه‌ها دو شعار دیگر هم دارند.
۳۱. این کلمه از دو واژه ترکیب شده است، Anand از ریشه سنسکریت Annda به معنای بهجت و Sanskar به معنای رسم، سنت و آیین. بنابراین معنای این واژه، مراسم شادی است. در زبان اردو نیز نام مراسم ازدواج، کلمه فارسی شادی است.
۳۲. اشاره به رسم هندوها است که جسد کودکان مرده را نمی‌سوزانند و دفن می‌کنند.
۳۳. برخلاف هندوها که معمولاً اصرار دارند خاکستر مرده را در رودخانه گنگ بریزند.
۳۴. پیشوندی برای احترام، معادل حضرت یا عالی جناب.
۳۵. پسوندی که در اکثر زبان‌های هندی، از جمله پنجابی، برای احترام بعد از اسم آورده می‌شود.
۳۶. بهای باله (Bhāi Bāle) نیز تلفظ می‌شود. به باور سیکه‌ها او مرید و هم‌سفر وفادار گورونانک بوده است.
۳۷. معنای لغوی این کلمه زبان سنت‌ها است؛ چراکه این زبان بیشتر در میان بزرگان و عرفای مناطق شمالی هند که سنت نامیده می‌شدند رواج داشته است.
۳۸. اشعاری که بر اساس داستان یا افسانه‌ای سروده شده باشد.
۳۹. این واژه در اصل گویا، به معنای گوینده است که به لهجه فارسی دری این‌گونه تلفظ می‌شود.
۴۰. سیکه‌هایی که ریششان کوتاه به نظر می‌رسد یا جزو سیکه‌های سهج دهاری هستند که اصل کش را مراعات نکرده و به همین دلیل سیکه خالصای امریت دهاری محسوب نمی‌شوند و یا ریششان را با انواع ژل و روغن چرب می‌کنند و زیرچانه می‌بندند تا بلندی ریششان مزاحم نباشد.
۴۱. نام عارفان باستانی و اساطیری هندو، که دریافت وده‌ها و متون مقدس از عالم بالا را به آنان منسوب می‌دارند.



### کتاب نامہ

- آزاد فاروقی، عماد الحسن (۱۹۸۶)، دنیا کہ برہ مذهب، دہلی نو: جامعہ لمتد، (اردو).  
سنگھ جودھ (بی تا)، گورو صاحب اور وید، امریتسر: وزیر ہند پریس، نسخہ خطی (اردو).  
سینگ سامبھی، پیارا، و دلیو اوون کول (۱۳۶۹)، سیکھا: معتقدات مذہبی و روئے آنان، فیروز فیروزیا،  
تہران: توسعہ.  
سینگھ سودھی تیجا (۱۹۹۷)، وچترجیون دس پاتشاہی، امریتسر: مائی سیوا (اردو).  
Bala, Shashi (1999), *Sikh Metaphysics*, Amritsar: Singh Bros.  
Bowker, John (1997), *The Oxford Dictionary of World Religions*, New York: Oxford  
University Press.  
Chander Dogra, Ramesh and Gobind Singh Mansukhani (1997), *Encyclopaedia Of Sikh  
Religion and Culture*, Delhi: Vikas Publishing House.  
D. Baird, Robert (1995), *Religion in Modern India*, New Delhi: Manohar.  
Dhillon, Harish (2000), *The Lives and Teachings of The Sikh Gurus*, Delhi: UBSPD.  
Duggal, K. S. (1997), *Sikh Gurus Their Lives and Teachings*, Delhi: UBSPD.  
Eliade, Mircea (ed.) (1987), *The Encyclopediya of Religion*, New York: Macmillan.  
Gupta, Hari Ram (2000), *History of the Sikhs*, New Delhi: Munshiram Manoharlal.  
Hinnells, John R. and W. Owencole (1996), *A new Hand book of Living Religions*, Oxford:  
Black well Publishers.  
Howley, John and Hada Bharata Dasa (1996), *Holy Places and Temples of India*, New Delhi:  
Spiritual Guide.  
Lopez, S. (1998), *Religions of India in Practice*, New Delhi: Mnshiram Manoharlal.  
Madan, T. N. (1998), *Modern Myths locked Minds*, Delhi: Oxford University Press.  
Mansukhani, S. G. (2004), *Introduction to Sikhism*, New Delhi: Hemkunt press.  
McLeod, W. H. (2002), *Historical Dictionary of Sikhism*, UK: Oxford.  
\_\_\_\_\_ (2005), *Sikhs of the Khalsa A Histoty of the Khalsa Rahit*, New Delhi: Oxford  
India Paperbacks.  
\_\_\_\_\_ (2000), *Exploring Sikhism*, New Delhi: Oxford University.  
\_\_\_\_\_ (1999), *Sikhs and Sikhism (The Sikh Scriptures)*, New Delhi: New York:  
Oxford University.  
Mittal, Sushil and Gene Thursby (2006), *Religions of South Asia*, London and New York:  
Routledge.  
Nigosian, S. A. (1994), *World Faiths*, New York: Martins Press.  
Owen Cole, W. (2004), *Six World Faiths*, London: Continuum.  
\_\_\_\_\_ and Peggy Morgan (2000), *Six Religions*, England: Stanly Thornes.

- \_\_\_\_\_ and Piara W. Singh Sambhi, (1989), *The Sikhs Their Religious Beliefs and Practices*, London: Routledge.
- \_\_\_\_\_ and Piara W. Singh Sambhi, (1997), *A popular Dictionary of Sikhism*, USA: Curzon Press.
- Shromnī Gurdwārā prabandak committee (1998), *Sikh Rehat Maryada*, Amritsar: Dharam prachār committee, (Gurmukhi).
- Singh Caveeshar, Sardul (2000), *OF SIKHISM*, Patiala: Phulkian Press.
- Singh, Avtar (1996), *Ethics of The Sikhs*, Patiala: Punjabi University.
- Singh, Dalip (1979), *Sikhism*, New Delhi: Bahri Publications.
- Singh, Gopal (1971), *The Religion of the Sikhs*, Bombay: Asia Publishing House.
- Singh, Harbans (1999), *The Heritage of the Sikhs*, New Delhi: Manohar.
- \_\_\_\_\_ (2001), *The Encyclopaedia of Sikhism*, Patiala: Punjabi University.
- Singh, Ishar (1985), *The Philosophy of Guru Nanak*, New Delhi: Atantic.
- Singh, Jagraj (2009), *a Complete Guide to Sikhism*, Chandigarh: Unistar.
- Singh, Jodh (1993), *Sikh Dharm or Darshan ki Ruprekha*, Delhi: National Book Shop.
- \_\_\_\_\_ (2000), *Outlines of Sikh Philosophy*, Patiala: Sikh Heritage Publications.
- Singh, Sangat (2001), *The Sikh in History a Millennium Study*, New Delhi: Uncommon Books.
- Singh, Wazir (1999), *Sikhism Philosophy and Culture*, Delhi: National Book Shop.
- "Information About Neeldhari" (n.d), Retrieved from <http://neelabanna.weebly.com/neeldhari.html>.
- "Neeldhari Panth" (30 October 2009), Retrieved from [http://www.sikhiwiki.org/index.php/Neeldhari\\_Panth](http://www.sikhiwiki.org/index.php/Neeldhari_Panth).
- "Nirmala" (16 August 2008), Retrieved from [http://www.sikhiwiki.org/index.php/Neeldhari\\_Panth](http://www.sikhiwiki.org/index.php/Neeldhari_Panth).